

بررسی روانشناسی تربیتی از نگاه قرآن

نرجس نصراللهی^۱

چکیده:

بهداشت روان از دیر باز مورد توجه مسلمانان بوده است که سرچشمه های آن را می توان در آیات قرآن و احادیث اهل بیت کاوید. قرآن نسخه ای الهی است که درمانگر همه دردهاست و راهکارهای درمانی آنها را نیز مشخص کرده است در واقع قرآن بعنوان طبیبی درد آشنا به درمان همه دردهای جسمی، روانی و روحی انسان می پردازد که عمده بیماریها را می توان به شرح زیر معرفی نمود:

الف) بیماریهای جسمی: بهداشت جسم، سلامت، بوسیله درمان های ذکر، گیاهی که توسط ائمه در قالب طب الصادق، طب الرضا و... به آن پرداخته شده است.

ب) بیماریهای روانی: عمدتاً در حوزه اخلاقی و اجتماعی می توان طبقه بندی کرد و مورد طرح و بررسی قرار می گیرد، مانند تکبر، غرور، تردید، افسردگی، انزواگرایی و ظلم، ستیزه جویی، خشونت، جنگ، فقر، فساد اجتماعی و زن ستیزی...

ج) بیماریهای روحی: مانند کفر، نفاق، جهل، ظلم، شرک و فطرت گریزی که علی رغم پردازش بعضی از آنان توسط دانشمندان غرب نسبت به اکثر آنها غفلت بعمل آمده و اگر هم مورد توجه قرار گرفته با مبانی انحرافی و نقص همراه بوده که نه تنها به حل مشکل جامعه نینجامیده که مشکل را ایجاد نموده است.

مشکل انسان امروز این است که به انسان تک بعدی می نگرد توجه به میلی از امیال او راهی از سعادت، او را از توجه به سایر خصوصیاتش باز داشته است اگر به فرد توجه کرده از اجتماع غافل شده اگر به بعد مادی دقت کرده از روح او غفلت نموده است حال آنکه انسان دارای گرایشها و کششهای متفاوتی است. این مقاله درصدد معرفی مبانی مناسب و مورد توجه قرآن بوده تا بدین وسیله کلید حل مشکل را در اختیار جامعه قرار دهد.

واژگان کلیدی:

بهداشت روان، اختلالات فکری و عقیدتی، شفا بخشی قرآن، تربیت، کمال گرایی

طرح مسأله:

قرآن کتابی است سراسر خیر و برکت که می توان بواسطه تدبیر در آن از برکات عظیمش بهره مند گردید. جهل به محتوی قرآن سبب می گردد که ما نتوانیم ارتباط صحیحی با این کتاب آسمانی برقرار سازیم. هر مسلمانی که معتقد به اعجاز قرآن است، می خواهد بداند این مصحف شریف در چه ابعادی دارای اعجاز است؟

هر عالمی از اسرار قرآن، سخنی را ابراز می کند در واقع اظهار چیزی است که از ظاهر قرآن می فهمد نه اعجاز قرآن، در این پژوهش با هدف تحقق جنبش نرم افزاری، گسترش تحقیقات میان رشته ایی در حوزه قرآن کریم و ارتباط حوزه و دانشگاه می کوشد در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری در زمینه توسعه علم و جنبش نرم افزاری با نگاهی دینی و قرآنی توجه به خلاء موجود در طرح جامع ایجاد مرکز بین المللی خدمات پژوهشی و اطلاع رسانی قرآن و علوم روز ترتیب یافته است قدم بردارد و در روانشناسی تربیتی در قرآن به این سوال پاسخ داده شود که روان سالم و متعالی از دیدگاه قرآن چه مشخصاتی دارد؟ برای رفتار مناسب چگونه باید عمل کرد؟ و چگونه می توان به کمال عقلی و روانی مناسب دست یافت؟ و قرآن در حوزه روان شناسی تربیتی چه توصیه هایی را مطرح نموده است؟ در ابتدا دیدگاه دانشمندان غرب به تربیت انسان مطرح می گردد:

تعلیم و تربیت از منظر دانشمندان غرب:

تعلیم و تربیت نظریه پیازه:

هدف تربیت از منظر پیازه تربیتی فعال است. تربیت فعال تربیتی است که از طرف کودک باید دنبال شود و در نگاه پیازه یادگیری در حقیقت شناختهای درونی شده افراد است. در واقع باید به انسانها فرصت داده شود تا با تلاش خود تحول را در خویش درونی سازند (تعلیم و تربیت به کجا ره می سپارد، ص ۴)

پيازه ضمن تاکید بر فعالیت فعالانه کودک که او را محور اصلی تربیت می داند واقعیت تربیت را امر فردی ندانسته و معتقد است که تحول روانی فرد در بطن جامعه محقق می گردد. (تعلیم و تربیت به کجا ره می سپارد، ص ۵)

مربی در دیدگاه وی هم یک هنرمند است و هم یک عالم پس کار تربیت هم علم است و هم ذوق در نگاه او بعد کار انتقال شناخت «علم» و بعد «هنر» جنبه عاطفی و ارتباطی تربیت را می پذیرد .

در همین دیدگاه پیازه به ساختار کلی جهت دار و متعالی انسان که از زیست به سوی روان است تکیه دارد ، این نگاه او گویای این حقیقت است که درون سازی جز از طریق برون سازی امکان پذیر نیست ، در واقع تعامل درون و محیط می تواند ایجاد کننده ساختهایی کاملتر باشد .

هدف تربیت از دیدگاه پیازه اینست که تربیت باید شکوفایی کامل شخصیت و تحکم و احترام ، حقوق بشر و آزادیهای اساسی باشد .

از دیدگاه پیازه سه دیدگاه متمایز وجود دارد :

۱- بعد زیست شناختی ۲- تعامل آزمودنی و محیط ۳- تعامل روانشناختی

روش کار پیازه :

تقریری ، فعال ، شهودی ، استفاده از برنامه و ماشینهای آموزشی ، روش آزمودنی می توان استفاده نمود اما هریک از این روشها قابل بررسی است :

در روش تقریری انسان فعل پذیر است نه فعال به این معنا که اطلاعات توسط معلم انتقال می یابد و شکوفایی استعداد در انسان وجود ندارد .

در روش فعال ، به اشخاص فرصت داده می شود تا خود تحول خویش را درونی سازند . در روش شهودی اگر فعال نباشد به کشف حقایق دسترسی نمی یابد .

در روش آموزشی ماشینی انسان به روزمرگی عادت نموده خلاقیت در او ظهور نمی یابد و در روش آزمودنی ، نوعی نظم جویی است که به تدریج ایجاد می شود .

ابزار مورد استفاده در امر آموزش را مدرسه ، وسایل کمک آموزشی و مشاهده می-توان بهره جست. (پیاژه به کجا ره می سپارد ، ص ۱۱۸)

تعلیم و تربیت از منظر دیوئی:

جان دیوئی معتقد است اساس تعلیم و تربیت قدیم تحمیلی از طرف مقامات بالا و

منابع خارجی و تحمیلی از میزانهای افراد سالمند و مواد و موضوعات درسی به آنها تکیه در حال رشد و تکامل هستند می باشد .

از منظر او تعلیم و تربیت به معنی آگاهی است و با آشکار کردن استعدادها به تشکیل و پرورش قوای ذهنی (دسیپلین رسمی) پرداخته و به تشکیل ذهن مبادرت می نماید. تعلیم و تربیت به عنوان تکرار گذشته و توجه به گذشته است و مانند تشکیل و تجدید ساختمان می باشد. ارتباط دادن تعلیم و تربیت با تجربه شاگردان یکی از جنبه های اساسی تعلیم و تربیت جدید است ولی مسئله ، داشتن یک تصور صحیح از تجربه است .

او مخالف کنترل خارجی است و اثر آن را در رفتار افراد سطح بی ارزش تلقی می کند ولی معتقد است که رهائی از کنترل خارجی مستلزم تسلیم در مقابل امیال و هوسها نیست اگر کسی خود را از کنترل عوامل خارجی رها سازد و تسلیم هوسها و تمایلات خود شود در اینصورت عامل خطرناکتری را حاکم بر اعمال خود ساخته است. رهائی از کنترل خارجی وقتی مفید است که عقل و خرد فرد حاکم بر تمایلات و هوسهای او باشد. از منظر دیوئی ۲ عامل در شخصیت انسان دخیل است :

- ۱- عوامل بیرونی موثر در شخصیت انسان شامل وراثت، عوامل فیزیولوژیکی، عوامل طبیعی و مادی، عوامل اجتماعی (جامعه، خانه، مدرسه، رسانه ها، تاریخ)
- ۲- عوامل درونی موثر در شخصیت عامل اراده، اختیار، آزادی و قدرت انسان، قدرت و ضعف این دسته از عوامل از راه یادگیری می باشد.

به نظر وی یک هدف صحیح ابتدا به صورت محرک درونی ظاهر می گردد ممانعت در اجرای فوری این محرک آن را بصورت تمایل در می آورد ولی نه محرک درونی و نه تمایل هیچکدام هدف نیستند هدف بمنزله یک نقطه نظر نهایی است ، یعنی هدف متضمن پیش بینی نتایج است که در اثر اجرای محرک درونی ظاهر می گردد. و پیش بینی کار برعهده عقل و خرد است . (اصول تعلیم و تربیت از منظر جان دیوئی ، ص ۷۵)

جان دیوئی معتقد است اصول و مواد درسی باید از موادی انتخاب کرد که در نظریات زندگی کار آئی داشته باشد.

کار مهم تعلیم و تربیت یا مربی کمک به افراد در ارزش سنجی میراث فرهنگ و توسعه آن می باشد شاید یکی از عوامل عقب ماندگی کشورهایی که در گذشته فرهنگ غنی داشته اند همین امر بوده است که آنها به انتقال میراث فرهنگی خود پرداخته اند و اقدامی برای سنجش و توسعه و پیشرفت آن میراث نکرده اند.

تعلیم و تربیت از دیدگاه پستانزی:

هدف تربیت از دیدگاه پستانزی این است که زندگی است که تربیت می کند اما به شرط آنکه سازمان اجتماعی بدان اجازه دهد خاصیت آگاه کننده خود را کاملاً متجلی سازد.

از نظر وی تربیت هنر است و پرورش کودک در آغوش مادر و سپس در خانواده هنر همه جانبه ایی است که قلب و مغز و دستها را پرورده است و هیچ تربیت دیگری جای آن را نمی گیرد. (مربیان بزرگ، ژان شاتو ص ۲۲۲)

او شخصیت انسان را آزاد می داند و انسان را به عنوان موجودی اجتماعی و آزاد در نظر میگیرد و می گوید: به عنوان آفریده طبیعت احساس می کنم که آزادم آنچه برایم خوشایند است انجام دهم و حق دارم آنچه برای من سودمند است به جا آورم و به عنوان محصول اجتماع خود را محکوم و وابسته به روابط و قرار دادهایی احساس می کنم که وظایف خاص را به من دیکته می کند. پستانزی نتیجه می گیرد وقتی از آنچه وظیفه دارم قاعده ای برای آنچه خواهان آنم بسازم گامی در راه تکامل خویش برداشته ام.

وی می گوید تعلیم و تربیت منطبق بر طبیعت به حکم مبانی خود علاقه به تعالی را موجب می شود و به تحقق قدرتهای انسانی متوجه است و هر تاکید خاص که به تربیت یکی از قدرتهای مان می شود با ایجاد ادعاهای بی پایه ما را به گمراهی می کشاند او معتقد است انسان بذر حیات اخلاقی خود عشق و ایمان را فقط از طریق اعمال دوستی و ایمان بر حسب طبیعت شکوفا تواند ساخت. (مربیان بزرگ، ژان شاتو ص ۲۳۵)

تعلیم و تربیت از دیدگاه غرب و روش ابزارکار:

هدف تربیت از دیدگاه غرب با توجه به شناخت این دیدگاه از انسان تربیتی فعال است. همان طور که ملاحظه گردید در این نوع پرورش کمال و تعالی دنیوی انسان مقصود

نهایی است. در این دیدگاه کنترل درونی لحاظ نگردیده است انسان غربی، انسانی است که اجتماع متعالی دارد. بزرگترین عامل رشد انسان اراده اوست انسان متعالی با قابلیت‌های که دارد و اراده شکست‌ناپذیر او در طی کمالش او را کمک خواهد داد حال آنکه از دیدگاه غرب به این نکته توجه نشده و انسانی متصور است که فانی است. لذتها همه مادیند پس این انسان محدود می‌کوشد تا تمام کمال مادی خود را بدست آورد و با ولع تمام از دیگران در تصاحب آن پیشی گیرد.

روشها همه مادیند، از طریق ابزارهای آزمایشگاهی قابل کنترلند، همه قابل مشاهده اند، تقریری، فعال، شهودی، استفاده از برنامه و ماشینهای آموزشی، روش آزمودنی پس چه سخت است در این فرصت محدود دنیایی، تمام لذتهای مادی را طلبد.

تعلیم و تربیت از دیدگاه شریعتمداری:

وی می‌گوید مسائل زندگی برای مربی نیز مبهم می‌باشد بنابراین چگونه می‌توان وضع حاضر بچه‌ها را مورد غفلت قرار داده و او را برای آینده‌ای نامعلوم آماده کرد. اشکال دیگر مسامحه و تردید است که در مورد تربیت بچه جهت آینده پیدا می‌شود زیرا فاصله آینده تا زمان حاضر خیلی زیاد است و نباید زیاد برای رسیدن به آن عجله نمود اشکال سوم این است که مربی می‌خواهد اعمال بچه را روی میزان‌ها یا استانداردهائی که مربوط بگذشته و برای دیگران وضع شده است مورد سنجش قرار دهد و به میزانهایی که برای بچه اهمیت دارد توجه می‌کند بدون توجه به وضع فعلی بچه تعیین می‌شود. وی معتقد است اصول تعلیم و تربیت از نظر وی مفاهیم نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان و مدیران اولیاء فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد. این اصول مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات روانشناسی، جامعه‌شناسی فرهنگی و نظریات مربیان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است. باید توجه داشت تعلیم و تربیت غیر از روانشناسی است همانطور که جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی با تعلیم و تربیت فرق دارند. تعلیم و تربیت از رشته‌های مختلف روانشناسی مثل روانشناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری، روانشناسی مربوط به

دوره بچگی یا روان شناسی بلوغ استفاده کند و اصول که روانشناسان در این موارد پیدا می کنند کار و فعالیت تربیتی خود قرار می دهند. مربی باید از روانشناسان کمک گیرد اما در هر دوره فرد در اجتماع زندگی می کند از نظر روانشناسان احتیاجات روانی به اندازه احتیاجات بدنی در تامین بهداشت جسمانی و روحی تاثیر دارند. احتیاجات عمده روانی که عدم تامین آنها موجب اضطراب و ناراحتی در افراد است عبارت است از:

الف- احتیاج به محبت

ب- احتیاج به بستگی و تعلق به گروه

ج- احتیاج به بیان و ابراز وجود

د- احتیاج به امنیت، نظم، هدف

هدف از آفرینش جهان از دیدگاه قرآن :

جهان هدفدار، بر اساس حق و عدل در خدمت بشر و برای دانایی او معرفی شده است و خداوند جهان را آفریده است تا موجود شریف و با کرامت همچون انسان در آن پرورش یافته، راه کمال و سعادت را بیابد و حق را بر باطل پیروز گرداند.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ قَوْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِّنَ

النَّارِ وَ آسمان و زمین و آنچه را میان این دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانی است که کافر شده (و حق پوشی کرده اند) (سوره ص، ص ۲۷) تقرب به خداوند و تحصیل رضایت خالق برترین کمال متصور برای انسان است عبادت راهی برای تقرب است. عبودیت، اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است عبد کسی است که همه وجودش به مولا و صاحب خود تعلق دارد، بدین گونه که اراده اش تابع اراده او، و خواستش تابع خواست اوست و در اطاعت از او هرگز سستی نمی کند. البته اهداف دیگری نیز برای انسان متصور است. از جمله آزمایش، در آزمایش است که کمالات هنر سپاسگزاری افراد و همچنین کیفیت اعمال آشکار می گردد و افراد شایسته نیز مستحق دریافت پاداش می شوند. برخورداری از رحمت الهی یکی دیگر از اهداف آفرینش دانسته شده است. رحمت همان هدایت الهی است که از طریق عقل و راهنمایی پیامبران و کتابهای آسمانی

شامل حال همه مردم شده است و هر کس از این رحمت استفاده کند، به سعادت میرسد و نهایتاً رسیدن به سوی حق از جمله اهداف خلقت او معرفی گردیده است. از آنجا که نظام آفرینش بر پایه حق و عدل است و جهان به هدف خود خواهد رسید و در فرجام جهان رستاخیزی برپا می شود تا به نیکو کاران پاداش و به بدکاران کیفر داده شود. لازم است به این نکته توجه شود که اسلام هدف آمیخته با عمل انسان اسلامی مورد توجه قرار می دهد نه اینکه هدف را جدا از عمل در نظر بگیرد.

جهان مادی از دیدگاه اسلام این مشخصات را دارد:

- ۱- جهان دارای دو وجه غیب و شهود است.
- ۲- جهان بطرف کمال در حرکت است. بین دنیا و آخرت ارتباط حقیقت وجود دارد که باید مورد توجه باشد.

تعلیم و تربیت از منظر اسلام:

مکتب اسلام به اعتلای روح انسان توجه خاصی دارد و این خدا گونه شدن می باشد این خدا گونه شدن در حقیقت آشتی انسان با فطرت خدادادی از طریق تربیت عقلانی، اخلاقی و ارشادی بوده و نص تنزیل قرآن مجید نیز به همین معنی اشاره دارد. نخستین آیه ای که بر پیامبر اکرم نازل شد، دلیل برجایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است **أَفْرَأَ**

بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿۲﴾ أَفْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿۳﴾ الَّذِي عَلَّمَ

بِالْقَلَمِ ﴿۴﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (العلق، ۵-۱)

اسلام بیشترین بها را به تعلیم و تربیت داده است ضرورت تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام ضرورتی مطلق است. یعنی نه قیدافرادی دارد، نه قیدزمانی، نه قید مکانی و نه هیچ محدودیت دیگری. محمد (ص) فرمود: و بالتعلیم ارسلت یعنی برای تعلیم برگزیده شده ام (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۶، باب ۴، حدیث ۳۵) و نیز فرموده: الحکمه ضاله المومن فخذ الحکمه ولو من اهل نفاق حکمت گمشده مومن است پس آن را فرا گیرید هر چند در دست منافق باشد (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۰)، و حدیثهای اطلب العلم ولو بالصدیق دانش را

بیاموزید هرچند که در چین باشد (بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۹) همه دلیل بر ارج نهادن به مساله تعلیم و تربیت و علم آموزی و یادگیری می باشد. اسلام و اسلامیان نه در شعار که در عمل مدتها از مروجان علوم و فنون بوده اند و معارف دنیوی و اخروی بوده اند.

۱- انسان ترکیبی از جسم و روح است.

۲- اصالت از آن روح مجرد و مرتبط با عالم قدس است. بدن انسان ارگانیزم پیچیده

ای است که با روح پیوند محکمی دارد.

۳- انسان در آغاز در همه ابعاد استعداد بالقوه می باشد که قابلیت رشد دارد. موضوع

تعلیم و تربیت روح انسان است که بدن نیز وسیله برای پرورش روح انسان

۴- همه موجودات فقیرند و نیازمند به هم هستند و برای نیل به مراتب کمال مطلوب

خود به دیگران نیازمندند

۵- تعلیم و تربیت خاص موجودات مختار و مستعد است.

۶- ظرفیت کمال در مخلوقات مستعد متفاوت است.

۷- انسان بالاترین ظرفیت را در بین مخلوقات داراست.

۸- تعلیم و تربیت تنها عامل ظهور استعدادهای انسان است.

۹- کمال اصلی انسان اسلامی تقرب به خداست.

روش تربیت در اسلام:

روش تربیت اسلام عبارت است از رسیدگی همه جانبه سرشت و آفرینش بشر بطور جامع و کامل به طوری که جسم و روان و خرد بشر را در یک وحدت به سوی مقصود راهنمایی کند پرورش چنین انسان صالح و سالمی که دارای حیات طیبه باشد با:

۱- عبادت: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ و جن و انس را نیافریدیم جز برای

آنکه مرا بپرستند (الذاریات، ۵۶) عبودیت به فرمان زیستن نیازمند بالاترین تعالی روحی است. در عرفان اسلامی گفته اند:

بندگی گوهر است که کنه آن خداوندگاری است یعنی تا انسان به درجه برتری از

کمال وجودی نرسد و تا موجودی خداگونه نگردد افتخار صفت عبودیت نمی یابد.

نیست ممکن در میان خاص و عام	از مقام بندگی برتر مقام
بندگی کن بیش ازین دعوی مجوی	سردهی بر باد و ترک جان کنی
گر به دعوت عزم این میدان کنی	سردهی بر باد و ترک جان کنی
سر به دعوی بیش از این مفراز تر	تا به رسوایی نمائی باز تو

(منطق الطیر، ص ۱۰۸-۱۰۷)

۲- پرورش خرد: در قرآن افراد به تبعیت کردن از بهترینها تشویق شده انداز جمله:

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ
(الزمر، ۱۸) همان کسانی که از طاغوت پرهیز کرده اند از اینکه بپرستندش، و به سوی خداوند هدایتشان کرده است، و اینانند که خردمندند.

در قرآن کریم به توأم بودن علم و عقل سفارش شده از جمله: وَتَلْكَ الْأَمْثَلُ

نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

و این مثالها را برای مردمان می زنیم و جز دانشمندان کسی آنها را تعقل نمی کند

(العنکبوت، ۴۳)

۳- پرورش جسم: در دعایی بعد از تعقیبات نماز می خوانیم اللهم متعنا باسماعنا و

ابصارنا و قوتنا ما احببتنا واجعل النور فی بصری والبصیره فی دینی خداوندا تا زنده ایم ما را

از گوش و چشم و نیرویمان بهره مند ساز و در چشم و در دینم بینش قرار ده و یا در

حدیثی داریم: المعده بیت کل داء والحمیه راس کل دواء معده خانه هر دردی است و کم

خوری منشاء هر دوائی است (سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۴۵)

۵- پرورش روح: روح دارای چهار بعد است مقصود از آن اینست که چهار استعداد

دارد: ۱- استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی) ۲- استعداد اخلاقی (پرورش وجدان) ۳-

استعداد دینی (انسان فطرتا خداجوست و حس حقیقت جویی و پرستش در انسان وجود

دارد ۴- استعداد هنری و ذوقی یا بعد زیبا شناسی (انسان فطرتا زیباییها را دوست دارد

تعلیم و تربیت در اسلام، استاد مرتضی مطهری، ص ۶۸-۶۹)

براساس فطرت بشر امکان پذیر است و استفاده ابزار و وسایلی مانند :

۱- پند و اندرز: در اسلام نصیحت و توجه به به پند اندرز سفارش شده است. امام صادق (ع) از ویژگیهای یک دوست خوب، صفا و صمیمیت، خیر خواهی و نصیحت گری به موقع او می داند: محبوبترین برادران من کسانی اند که عیبهای مرا به من هدیه کنند. (وسایل الشیعه، حر عاملی، ج ۸، ص ۴۱۳)

۲- ذکر داستان و امثال: در قرآن بازبان ساده و آسان بزرگترین نکات تربیتی را عنوان نموده و گوش زد می نماید: نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِن كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ

ما بهترین داستانهای را با وحی فرستادن همین قرآن بر تو می خوانیم و بیگمان پیش از آن از بیخبران بودی (یوسف، ۳)

۳- ایجاد عادت در فرد: قرآن ایجاد عادات مناسب در فرد را گوش زد شده و از عادات بد نهی می کند: وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

و چون به ایشان گفته شود از آنچه خداوند نازل کرده است پیروی کنید، گویند خیر، ما از آنچه نیاکانمان را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم. حتی اگر نیاکانشان چیزی نیندیشیده و راهی نیافته باشند (باز هم از آنان پیروی می کنند؟) (البقره، ۱۷۰)

۴- بیان پیامدها: گاه در قرآن به بیان مطالبی بر می خوریم که جهت اثبات حقایق خود بکار می گیرند و سرانجام جهان را به سوی حق محوری سوق می دهد: غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَعْلَبُونَ روم شکست خورد - در نزدیکترین سرزمین (به شما) و ایشان بعد از مغلوب شدنشان به زودی غالب خواهند شد. (الروم، ۳-۲)

۵- سرمشق و الگو و نمونه عملی داشتن: در قرآن از وجود انسانهای بزرگی چون ابراهیم، موسی، نوح و... نام می برد و آنان را الگوی عملی معرفی می نماید. برای پرورش انسان (صالح، عالم، عابد، متقی، متعهد، مسئول و ...) می توان به آیات قرآن مجید و

گفتار و کردار پیامبر (ص) و معصومین علیهم السلام و نیز بیانات دیگر بزرگان دین مراجعه نمود. (فلسفه آموزش و پرورش، علی اکبر شعاری نژاد، ص ۱۲۱) در مورد سنین مختلف برای تعلیم و تربیت هم به ذکر حدیثی بسنده می کنیم: رسول اکرم (ص) می فرماید: دع اینک یلعب سبع سنین و یودب سبع السنین و الزمه نفسک سبع النین بگذار کودک تا هفت سالگی بازی کند و هفت سال او را تربیت کن و هفت سال هم او را مشاوره همراه خود قرار بده (سفینه البحار، ج ۲، ص ۹۴)

ویژگیهای تربیت و تعلیم از دیدگاه اسلامی:

۱- خود شناسی و خود سازی:

۲- هدایت کردن دیگران: پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: برای مسلمانان برعهده برادر مسلمانش سی حق است و گریزی از آنها نیست، مگر اینکه ادا شوند یا بخشوده گردند، از لغزشش در گذرد، برحزن و اندوه (ومصیبت او) ترحم نماید، عیبش را بپوشاند، اگر سقوط نمود، به او کمک کند (که) برخیزد، عذر خواهی اش را بپذیرد، از غیبت شدنش جلوگیری کند، همواره او را نصیحت کند، دوستی اش را حفظ کند عهد و پیمانش را مراعات کند، به هنگام بیماری او را مورد عیادت قرار دهد، برمرده او (برای تشییع و امور خاکسپاری) حضور یابد، دعوتش را اجابت کند، هدیه اش را بپذیرد، صله و بخشش اش را جبران کند، از انعامش سپاسگزاری نماید، او را به خوبی یاری دهد، در حفظ و پاسداری از ناموسش بکوشد، نیازش را برآورده سازد، در مورد خواست و تقاضایش (از دیگری) شفاعت و وساطت کند، اگر عطسه نمود دعایش کند، گمشده اش را پی جویی نماید، سلامش را پاسخ دهد، با او نیک سخن گوید، او را به نیکی و زیبایی انعام کند، سوگندش را تصدیق نماید، با دوستش دوستی و با دشمنش دشمنی ورزد، او را چه ظالم باشد چه مظلوم یاری کند، به این معنا که اگر ظالم است، او را از ظلم و ستمکاری باز دارد و اگر مظلوم است، برگرفتن حق یاری اش کند و او را (در دست ستمکار) رها نسازد و خوارش ننماید، و آنچه از خیر و نیکی برای خود دوست دارد، برای او نیز دوست بدارد، و هرگونه شر و بدی که برای خود نمی پسندد، برای او

نیز نپسندد. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۰)

۳- نظارت درونی: در تربیت اسلامی، مسلمانان در همه حال خدا را ناظر اعمال، گفتار و افکار خود می دانند. ان ربك لبالمرصاد (الفجر، ۱۲)

۴- توجه به حیات اخروی: در تربیت اسلامی، بدون اینکه حیات مادی نادیده گرفته شود به حیات اخروی بیشتر اهمیت داده شده است. الاخره خیره و ابقی (الاعلی، ۱۷)

۵- تعلیم و تربیت اسلامی از جامعیت و شمول برخوردار می باشد. برای همه نسلهای بشری و در همه زمانها کاربرد دارد.

۶- در تربیت اسلامی، علم آموزی بر هر کس فریضه است.

۷- در تربیت اسلامی، تحصیل علم خاص زمان معینی نیست.

۸- در تربیت اسلامی، تحصیل علم خاص مکان معینی نیست.

۹- تحصیل علم در اسلام ویژه افراد بخصوصی نمی باشد.

۱۰- در تربیت اسلامی، برای کسب علم از عقل و تجربه بهره می گیرند که در تأیید

عقل و استفاده از حواس و علم نیز آیات و احادیث و روایاتی وجود دارد.

۱۱- در تربیت اسلامی، برنامه ای قابل تحقق می باشد یعنی در بعضی ادوار کلا پیاده

شده است و کار برای آن در همه حال ممکن است

۱۲- در تربیت اسلامی، برنامه منطبق بر فطرت او گذاشته شده و از طریق عقل قابل

درک است.

مقایسه تعلیم و تربیت اسلامی با غیر اسلامی و غرب:

۱- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، جامعه موضوع اصلی است و در فلسفه تعلیم و

تربیت اسلامی انسان.

۲- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، در طلب قدرت است تعلیم و تربیت اسلامی در

طلب حقیقت است.

۳- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به سوی تکنولوژی متمایل است تعلیم و

تربیت اسلامی نتیجتاً به سوی ایدئولوژی متمایل است.

- ۴- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به سوی سود تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً به سوی ارزش.
- ۵- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به سوی آموزش تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً به سوی پرورش.
- ۶- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به سوی رفتار اجتماعی در تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً به سوی اخلاق اسلامی.
- ۷- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً انسان وسیله است برای نیاز جامعه در تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً انسان هدف است و نیاز جامعه وسیله.
- ۸- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً شعار آسایش و سعادت است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً شعار زیبایی و کمال است.
- ۹- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً تأمین لیاقت در انسان است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً تأمین فضیلت در انسان است.
- ۱۰- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً روح پراگماتیسم (تربیت وسیله ای برای ارضاء نیازها و خواسته های فرد و خاستگاهی روانشناختی و زیست شناختی دارد.) (تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً روح وحدت (همه از خدایم و به سوی خدایم رویم) حاکم است
- ۱۱- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً جهت گیری آزاد است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً جهت گیری متعهدانه است
- ۱۲- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، بیش واقع گرایی (رنالیسم است) تعلیم و تربیت اسلامی ایده آل گرایی و انسان کامل است.
- ۱۳- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، رسالتش توجیه انسان در نظام اجتماعی است تعلیم و تربیت اسلامی توجیه انسان در نظام خلقت است
- ۱۴- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، گرایش به سوی تمدن است تعلیم و تربیت اسلامی گرایش به سوی فرهنگ است
- ۱۵- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، سازنده اجتماع است تعلیم و تربیت اسلامی

سازنده امت است

۱۶- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، براساس بودن انسان استوار است تعلیم و تربیت اسلامی براساس اراده استوار است

۱۷- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، زیر بنای فکری علم است تعلیم و تربیت اسلامی زیر بنای فکری حکمت است

۱۸- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، رشد جهان آگاهی است تعلیم و تربیت اسلامی رشد خود آگاهی است

۱۹- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً انسان مقتدر می سازد تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً انسان خوب می سازد

۲۰- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، جامعه متمدن می سازد تعلیم و تربیت اسلامی انسان متمدن می سازد

۲۱- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً کسب تسلط بر طبیعت و محیط است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً کسب تسلط بر خویش است

۲۲- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً انسان را در خدمت خویش به صلاح جامعه قرار می دهد تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً جامعه به صلاح فرد در جهت کمال انسان قرار دارد.

۲۳- در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً در تربیت و حفظ آبروی آنچه هست می باشد تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً در خلق و پرورش آنچه باید باشد، هست.

آفرینش انسان :

اولین نکته ای که در بحث روانشناسی تربیتی انسان مطرح است آفرینش اوست زمانی که با خلقت انسان آشنا شویم با روحیات او آشنا شده نقاط ضعف و قوت او را در یافته و راه رسیدن او به کمال لازمش در می یابیم. مهمترین نکته در مورد آفرینش انسان، تدریجی بودن اوست. انسان از دیدگاه قرآن از دو بعد جسمی و روحی تشکیل شده است که هیچگاه نمی توان آن دو را به طور کامل از یکدیگر منفک دانست هر بعد مکمل بعد

دیگر و با دیگری پیوستگی کامل دارد اولین مرحله آفرینش انسان بعد جسمانی اوست در قرآن کریم در این خصوص صحبت شده که به پاره ای از خصوصیات آن جلب توجه می نماید: **أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ** آیا اندیشیده اید آنچه (از منی) را که (در رحمها) می ریزید (الواقعه، آیه ۵۸)

آفرینش انسان از خاک :

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ و انسان (آدم) را از گل خشک بازمانده از لجنی بویناک آفریده ایم (حجرات، آیه ۲۶)

شاید برای بسیاری درک این نکته عجیب باشد که انسان چگونه از خاک آفریده شده است. قرآن کریم در آیات متعدد به این نکته اشاره نموده که آفرینش انسان از خاک است و آفرینش جن از آتش .

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْضِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنْتَبَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ هان ای مردم اگر درباره رستاخیز شک و شبهه دارید (بدانید که) ما شما را از خاک، سپس نطفه، سپس از خون بسته، سپس گوشت پاره شکل یافته، شکل نیافته آفریده ایم تا (حقیقت را) برای شما هویدا کنیم و هر چه را بخواهیم تا زمانی معین در رحمها قرار می دهیم، سپس شما را که کودکی شده اید (از شکم مادر) بیرون می آوریم تا به کمال بلوغتان برسید و بعضی از شما جانشان گرفته می شود، و بعضی از شما به حد اعلای فرتوتی باز برده شوند، چندانکه پس از دانستن (بسیاری از چیزها چیزی نداند، و زمین را پژمرده بینی آنگاه چون بر آن آب (باران) فرو فرستیم، جنبش یا بدو رشد کند و چه بسیار از گونه های خرم برویاند. (الحج، آیه ۵)

در آیه فوق از تدریجی بودن خلقت انسان پرده برداشته آفرینش او از خاک، نطفه،

خون بسته ، گوشت پاره ، آفرینش روح ، نوزاد ، تولد ، کودکی ، بلوغ ، جوانی ، پیری و مرگ بیان می دارد. در آیه بعد از آفرینش استخوان و رویاندن گوشت بر آن سخن می گوید و سپس از آفرینش روح در کالبد بیجان او و تعیین جنسیتش رشدش و پیری او سخن رانده است. مراحل خلقت او طبق آیه شامل:

۱- بارداری:

از منظر قرآن بارداری داری چند مرحله است :

الف - نطفه پاک:

عامل وراثت به وسیله ژنها از طریق والدین به فرزندان منتقل می گردد این ژنها می توانند در بسیاری از خصوصیات بدنی و روانی نظیر پوست بلندی و یا کوتاهی قد، کم هوشی و یا تیز هوشی و حتی ویژگیهای شخصیتی انسان موثر واقع شوند. امام باقر(ع) می فرماید: «یحفظ الاطفال بصلاح ابائهم» فرزندان بشر با صلاحیت اخلاقی پدران خود از خطر انحراف مصون می مانند. (۲۲۲ نکته در تربیت، جعفر شیخ الاسلامی، ص ۱۰) که نکته اساسی تربیت انسان را در والدین صالح او می داند و بطور غیر مستقیم به انتخاب همسر و رابطه جنسی مشروع توجه دارد. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ب- بارداری:

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَّتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا سِمْسِ (مریم) به او باردار شد و با او در جای دور دست کناره گرفت (مریم، آیه ۲۲) جایگاه نطفه یک قرار گاه امن و امانی است که رحم نامیده می شود در حقیقت محفوظ ترین نقطه بدن مادر است که از هر طرف کاملاً کاملاً تحت حفاظت قرار گرفته است .

ج - روح مخلقه:

این مرحله به تعبیر قرآن به انشاء خلقی دیگر نموده است ، روان و روح تشکیل می شود و مرحله حیات انسانی در واقع از این نقطه آغاز می گردد در این مرحله است که جنین حس و حرکت پیدا می کند و به جنبش در می آید که در قرآن و روایات اسلامی از

آن به نفخ روح **ثُمَّ أُنشَأْنَهُ خَلْقًا آخَرَ** (دمیدن روح در کالبد) تعبیر شده است. (الحج، آیه ۵) از امام علی (ع) روایت شده است که می فرماید: بعد از آنکه نطفه چهارماهش تمام شد، خداوند فرشته ای می فرستد تا روح را در آن ظلمات رحم در کودک بدمد. (بحار الانوار، ج ۱۴)

د- زمان تولد نوزاد و جنس آن :

قَالَ آخْرُجْ مِنْهَا مَذْؤُمًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ خداوند میدانند که هر مادینه ای چه باری دارد و اینکه رحماها از مدت حمل یا (از جنین) چه می کاهند و چه می افزایشند و هر چیز، نزد او اندازه معین دارد. (الاعراف آیه ۱۸)

ه- درد زایمان:

درد زایمان، از انقباض و انبساط ماهیچه های رحم و اطراف شکم حاصل می گردد اگرچه بسیار سخت و دردناک است و گروهی از زنان این مرحله را به خوبی پشت سر گذاشته دار فانی را وداع می گویند اما چون با هدف رسیدن به نوزاد شکل می گیرد برای زنان بسیار شیرین و لذت بخش است و به راحتی این مرحله را پشت سر گذاشته در آرزوی دیدن طفل خود هستند.

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًا مَنْسِيًا ﴿۲۲﴾

فَنَادَتْهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿۲۳﴾ **وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا** آنگاه درد زایمان او را به پناه تنه درخت دور خرمایی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و از یاد رفته بودم و فراموش شده بودم. پس از فرو دست او، او را ندا داد که اندوهگین مباش، پروردگارت از فرو دست تو جویباری روان کرده است. و تنه درخت خرمارا به سوی خود تکان بده تا بر تو رطب تازه چیده فرو بریزد. (مریم آیه ۲۵-۲۲)

قرآن به تمام نکات زندگی توجه نموده و از هیچ نکته ای غفلت نورزیده است از جمله، سپاس گذاری از مادر است که بارداری مادران مطرح است و مربوط به همه مادران

است، به بهانه آن که کاری وظیفه طبیعی فرد است نباید زحمات مادران را از یاد برده و از احسان و سپاسگذاری او غفلت کنیم (لقمان، آیه ۱۴) در حالی که در فرهنگ غرب به والدین کودک توجهی نشده و کانون خانوادگی از محبت و گرمی لازم برخوردار نیست.

۲- دوران شیر خواری:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ. وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مَبْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ و مادران فرزندان‌شان را دو سال کامل شیر دهند، این برای کسی است که بخواهد دوران شیر خواری را به حد کمال برساند. و خوراک و پوشاک آنان در حد عرف بر عهده پدر فرزندان است، هیچ کس جز به اندازه توانش مکلف نمی‌شود، هیچ مادری نباید به خاطر فرزندش رنجی شود و نیز نباید پدر به خاطر فرزندش رنجی شود، وارث (وقیم) نیز همین حکم را دارد، پس اگر به توافق و مشورت در میان خود، قصد از شیر گرفتن فرزند را کردند، گناهی بر آنان نیست، و اگر خواستید برای فرزندان‌تان دایه بگیرید، چون به درستی دستمزد آنان را بپردازید، گناهی بر شما نیست، و از خداوند پروا کنید و بدانید که خدا از کار و کردار شما آگاه است. (البقره، آیه ۲۳۳)

قرآن به تمام نکات تربیتی بطور کامل توجه نموده و از هیچ امری غافل نشده است حتی از نظر وضعیت خانوادگی، توان یا ناتوانی مالی پدر در پرداخت نفقه به فرزند، در حالی که در مکتب غرب به تنها نکته‌ای که توجه می‌شود رشد جسمانی کودک بوده و از حالات روحی پدر و مادر غافل است.

۳- دوران کودکی

تربیت کودک را باید اوان کودکی حتی از دوران جنینی شروع کرد زیرا شخصیت کودک در سالهای اولیه زندگی اش پایه ریزی می‌شود. رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

فرزند شایسته گلی از گل‌های بهشت است (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۰) و در روایت دیگری می‌فرماید: از سعادت مرد اینست که فرزند صالح داشته باشد. (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸) از جمله ثوابهایی که در عالم قبر برای انسان ثبت می‌گردد داشتن فرزند صالحی است که از او باقی می‌ماند، در دین مبین اسلام به تربیت کودک اهمیت زیادی داده شده است که به سالهای قبل از ازدواج بازگشته و تربیت فرزند در آن سالها پی‌ریزی می‌گردد اگر نطفه‌ای که از آن فرزند شکل می‌گیرد مناسب نباشد یا ضعیف باشد یا پدر در دوران جوانی بر اثر می‌خواری و شهوت رانی به امراض دماغی سوزاک و مرضهای دیگر مبتلا گردد غیر ممکن بنظر می‌رسد که فرزند سالمی از او پا بگیرد. (تربیت کودک از نظر اسلام، جاول، ص ۹۷)

۴- دوران نوجوانی و جوانی

یکی از مهمترین جنبه‌های تحول در دوران نوجوانی رشد اجتماعی است که نیاز نوجوان به کسب هویت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، خانواده در شکل دادن به رشد هویت اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. قال امیر المومنین (ع): «انما قلب الحدث كالارض الخاليه، ما القى فيها من شئ قلبته قلب و یا روان نوجوان مانند سرزمین خالی است، هرچه در آن بکارید آن را می‌پذیرد» (نهج الفصاحه، به نقل از مراحل رشد جسمی و روانی، محمد اسفندیاری، ص ۷۵)

۵- دوره میانسالی

پیری مرحله‌ای است که جنبه‌های منفی و مثبت زندگی در کنار هم قرار می‌گیرند، اگر بتوانیم بر جنبه‌های مثبت این مرحله تأکید کرده در عوض از جنبه‌های منفی آن بکاهیم، در اسلام افراد سالمند از مقام و منزلت خاص برخوردارند و پیامبران خانواده محسوب میشوند. پیری ناشی از فرسودگی تدریجی می‌باشد از جمله پیری جسم و مو و صدای استخوانها از جمله شکایت زکریا به درگاه خداوند از پیری و فرسودگی و نداشتن فرزند: قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا گفت

پروردگارا استخوانم سستی گرفته و برف پیری بر سرم نشسته است ، و پروردگارا هرگز در دعای تو سخت دل نبوده ام. (مریم، آیه ۴)

افراد سالمند دارای افت حافظه هستند . بسیاری از مردم بر این باورند که افت حافظه و حواس پرتی در دوران پیری اجتناب ناپذیر است.

۶- مرگ

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ، سپس او را میراند و او را در گور کند (العنكبوت، آیه ۲۳)

عمر چون سیل و عدم دریا و ما خار و خسبم در رکاب سیل خار و خیسب به دریا می رود (صائب تبریزی)

مرگ امری عادی و طبیعی و عارضه ای است که دیر یا زود برای همه افراد پیش می آید ، و انسان تصور می کند که مرگ پایان همه چیز است لذا از آن وحشت دارند و دائما با تصور آن مضطرب می شوند و پیوسته سعی می کنند که از آن فرار کنند اما اگر انسان مرگ را بعنوان یک مرحله جدید از زندگی و گذر از مرحله ایی از حیات انسانی به مرحله ایی دیگر بدانند آن را مرحله پایان یافتنی آرزوها و آمال خود تلقی ننماید نه تنها از آن وحشت نخواهد داشت بلکه با خاطری آرام آنرا خواهد پذیرفت .

بیماریهای روحی و روانی از دیدگاه قرآن

به طور کلی بیماریهای روحی و روانی و راهکارهای درمانی آن می توان به چهارنوع بیماری تقسیم کرد:

الف- بیماریهای اجتماعی

ب- بیماریهای معرفتی

ج- بیماریهای رفتاری

د- بیماریهای اخلاقی

الف- بیماریهای اجتماعی :

۱- نفاق: در قرآن کریم از جمله بیماریهای که نام می برد نفاق و دو چهره بودن

است (سوره مائده، آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹) اسلام نفاق را نوعی بیماری روحی بر می شمرد که عامل آن را غرور و خود پسندی می داند (البقره ۲۰۷-۲۰۴)

۲- **استفاده از مال یتیم:** از جمله اموری که باعث بیماری روحی و روانی انسان می شود خوردن مال یتیم است تعرض به حقوق دیگران خصوصاً شخصی که از نظر روحی نیاز به کمک دیگران دارد از نظر عاطفی به محبت بزرگتر نیاز دارد مورد مذمت واقع شده است (الاسراء، آیه ۳۴)

۳- **تقلید کور کورانه:** گروهی در عملکرد خود محو دیگران شده و اعمال آنان و نحوه عملکرد آنان را اعمال و عملکرد خود می دانند و بدون فکر از آنان تقلید کرده چه در نحوه عملکرد، نحوه رفتار و نحوه پوشش نوع زندگی مسخ شده و از دیگران کور کورانه تقلید می نمایند و به درست و غلط بودن شیوه رفتار خود نمی اندیشند یکی از بیماریهای روحی که جامعه امروز، خصوصاً جوانان گرفتار آن هستند تقلید در نوع پوشش و نوع آرایش آنان است (البقره آیه ۱۶۷)

۴- **بکار بستن گفتار ناپسند:** خدا سخن زشت را دوست ندارد، کنایه است از این است که در شریعت اسلام، به رعایت ادب در رفتار با دیگران توجه شده است و کسی که دیگران را با گفتار زشت و صدای بلند خطاب کند و رعایت احترام به دیگران رانمی کند، آموزش می دهد که نباید بدی های دیگری را به زبان آورد حتی اگر به او ظلم کرده باشد، می تواند با صدای بلند ظلم کردنش را بگوید و دادخواهی کند و حق ندارد صفات بدی از او را به زبان آورد که ارتباطی با ظلم کردنش ندارد. (النساء آیه ۱۴۸)

۵- **پرهیز از قتل:** در اسلام قتل بسیار مذمت شده است، کشته شدن جز در راه خدا منع شده و قتل یک نفر را مانند کشتن تمام مردم عنوان شده و برای آن قصاص در نظر گرفته شده است (المائده ۳۲، الفرقان ۶۸، النساء ۹۲) از جمله قتلها که از آن نهی شده است کشتن فرزندان است به طور نمونه: مشرکین دختران را به خدا نسبت می دادند وقتی خبری برایشان می آوردند که همسرت دختر آورده رویش از خشم سیاه می شد و خشم خود را فرو می برد و از بدی خبری که آورده میشد به فکر فرو می رفت که آیا نگاهش بدارد و

ذلت و خواری دختر را تحمل کند یا زنده زنده در خاک پنهانش کند اسلام با این فرهنگ غلط به مبارزه برخاست و ملاک برتری را تقوا دانست نه جنسیت و در نوع تکلیفی که برعهده زن یا مرد قرار داده به بیان جنسیت می پردازد (النحل ۵۹، النساء ۹۲، الانعام ۴۰، الاسراء ۳۱، النساء ۲۹، الاسراء ۲۳)

ب- بیماریهای معرفتی :

۱- شرک : شریک قائل شدن برای خداوند در ذات، صفات و افعال، بیماری است که شخصیت فرد را تحت تاثیر قرار داده و مسخ می نماید و خود را برتر و بالاتر از دیگران می داند (البقره ۱۶۵) به هر پلیدی را که طبع انسان از آن تنفر داشته باشد نجس گویند و مشرکین را نجس می داند و از ورود آنها به مسجد الحرام نهی می کند در سال نهم هجری علی بن ابیطالب ماموریت یافت تا سوره برائت را به مکه برد و برای مشرکین بخواند. (التوبه ۱-۵)

۲- پیروی از شیطان : شیطان همواره در کمین است تا مردم را از راه راست منحرف سازد و تنها مومنین حقیقی هستند که تسلیم اوامر شیاطین نمیشوند (البقره ۱۶۹)

۴- نوع تغذیه : اسلام به نوع تغذیه اهمیت بسیار زیادی داده است در حالی که در فرهنگ غرب می بینیم خوردن گوشت خوک، شراب خواری، قمار و... رواج دارد اما در اسلام بر تغذیه سالم تاکید دارد و مواردی را ممنوع می دارد از جمله: ۱- مردار ۲- خون ۳- گوشت خوک ۴- منخنقه یعنی حیوان خفه شده و کتک خورده ۵- موقوذه یعنی «حیوانی که از بلندی پرت شده» (طه آیه ۳۴) ۶- نطیحه «حیوانی که با ضربه شاخ از بین رفته است» ۷- نصب «حیوانی که جهت بتهایی که در کعبه گذشته شده بود قربانی می کردند» ۸- خوردن گوشت حیوانات وحشی «حرام گوشت» ۹- ازلام «حیوانی که به جهت قمار قربانی شود» (المائد ۳-۴، البقره ۱۷۶-۱۷۳، الانعام ۱۴۵-۱۱۹)

۵- پیروی از آنچه به آن علم نداری: قرآن مجید سخن بیهوده و بدون علم را یکی از عوامل اختلال روحی و روانی می داند و چشم و گوش دل را مسئول می داند و از تقلید

کور کورانه نهی می کند. (الاسراء ۳۶)

۶- **تکوهش عدم تعلیم و تربیت:** قرآن کسانی که جز یک مشت خیالات و آرزوها ی باطل در سر ندارند و به دنبال آموزش و تعلیم و تربیت نمی روند را نکوهش می نماید. (البقره ۷۸)

ج- بیماریهای رفتاری :

۱- **عواقب ارتکاب به گناه:** گناه یکی از بیماریهای روحی و رفتاری است که دل را چرکین می نماید. از جمله آثار گناهان: ۱- گناه دل را سیاه می کند ۲- اعمال صالح را باطل می کند ۳- دعا به استجابت نمی رسد ایمان را از بین می برد ۴- بی خبری و غفلت به سراغ انسان می آید ۵- برکت از زندگی رخت بر می بندد ۶- روزی حلال را کم می کند. (گناهان کبیره، شهید دستغیب، ص ۸) و هر کس مرتکب گناهی شود، تنها به زیان خویش چنین کاری کرده است، و خداوند دانای فرزانه است. و کسی که مرتکب خطا یا گناهی شود سپس آن را به گردن بیگناهی بیندازد، زیر بار بهتان و گناهی آشکار رفته است. (النساء ۱۱۱-۱۱۰)

۲- **دوستی مادیات:** بعضی از مردم شریکهای بجای خدا می گیرند و آنها را بسیار دوست دارند حال آنکه آنان به خود ستم می کند. (البقره ۱۶۵)

۳- **رشوه خواری:** یکی از بیماریهای روحی از دیدگاه قرآن رشوه خواری است که رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو مرتکب گناهند (المائده ۶۳)

۴- **بخل:** (النساء ۴۷-۴۶)

۵- **تودید:** از جمله بیماریهای روحی و رفتاری از دیدگاه قرآن تردید و دو دلی است انسان مردد اگر خیری به او برسد دلش به آن آرام می گیرد، و اگر رنجی به او رسد رویگردان شود (الحج ۱۱)

۶- **تکبر:** گروهی از مردم جهان هستند که بر گروهی دیگر فخر می فروشند و خود را از آنان بالا تر می داند آنان در آخرت سخت عذاب می بینند قرآن حال آنان را به حال کسی می داند که قصد دارد زمین را بشکافد (الحج ۹، الاسراء ۳۸-۳۷)

۷- توس: یکی دیگر از عواملی که شخص را از انجام اعمال نیک باز می دارد ترس است (طه ۹۴)

۸- عجول بودن: انسان با انجام اعمال شتابزده و بدون تأمل همراه به زیان خود کار نموده است. (النساء ۳۷، الانبیاء ۳۷)

۹- خشم: خشم بیجا، خود نوعی هیجان و بیماری رفتاری محسوب می گردد (طه ۸۶).

۱۰- غیبت کردن: قرآن در توصیف حال آنان که پشت سر برادر مومن خود غیبت می نمایند به حال کسی توصیف می نماید که گوشت برادر مرده خود را می خورد (الحجرات ۱۲)

۱۱- دوری از اختلاف: قرآن می خواهد تا از خداوند و پیامبر او اطاعت کنید و اختلاف و کلمه نداشته باشید که بد دل خواهید شد و شان و شوکتان بر باد می رود (الانفال ۳۶)

د- بیماریهای اخلاقی:

۱- زناکاری: یکی از عوامل انحراف بر آوردن شهوت از راه غیر مجاز است که دین مبین اسلام آن را بی روشی دانسته است و مجازات سختی برای آن قائل شده و امر به ازدواج رادر مقابل آن توصیه فرموده است، در حالی که در مکتب غرب می بینیم توصیه شده هرچه این میل بیشتر ارضاء شود آتش این میل خنثی شده و فرو می نشیند حال آنکه افراد هوسباز و شهوتران جری تر شده و جامعه امنیت و آرامش خود را از دست خواهد داد وَلَا تَقْرَبُوا الزَّیْنَةَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا به زنا نزدیک مشوید که آن ناشایستی و بی روشی است (النساء ۳۲)

۲- بر آوردن شهوت از راه غیر مجاز: امروزه همجنسبازی یکی از مظاهر تمدن فرهنگ جهان غرب تلقی شده و کسانی را که از همجنس بازان حمایت می نمایند افراد متمدن جوامع امروز غربند حال آنکه اسلام برای سالم سازی محیط جنسی اجتماع حتی نگاه شهوت آمیز مردان به زنان و بالعکس را ممنوع اعلام کرده چرا که زمینه انحراف

جنسی است و بسیاری از بیماریهای زیان بار از جمله ایدز، ضمن آنکه محیط اجتماع را در معرض خطر قرار داده بهداشت روانی جامعه را به خطر می اندازد (العنکبوت ۲۹) بعضی از راههای بر آوردن نیاز جنسی از راه خلاف عبارتند از:

۱- زنا (النور ۲،۳)

۲- لواط (الاعراف ۷، النمل ۵۵، العنکبوت ۲۹)

۳- استمناء (المومنون ۷)

۳- مجازات زنا کار: **الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشِبْدَ عَذَابُهُمَا طَافِقَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ** زن و مرد زنا کار (بکر) را به هر یک از آنان یکصد تازیانه بزنید اگر به خداوند و روز بازپسین ایمان دارید در دین الهی در حق آنان دچار ترحم نشوید و گروهی از مومنان در صحنه عذاب کشیدن آنان حاضر باشند (النور ۲)

راهکارهای درمانی قرآن کریم

به طور کلی درمان بیماریهای روحی روانی و راهکارهای تربیتی آن می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف- راهکارهای اجتماعی

ب- راهکارهای معرفتی

ج- راهکارهای رفتاری

د- راهکارهای اخلاقی

الف - راهکارهای اجتماعی :

۱- **وحدت نفس** : قرآن انسان را از دوگانگی شخصیت و دو چهرگی (نفاق) باز می دارد تا وحدت روان و بهداشت روان انسان تامین گردد (البقره ۸، ۲۰). مهمترین عامل در شخصیت سالم و وحدت روان تعهد مذهبی شخص و ایمان اوست . اساس مذهب اسلام نیز بر وحدت و توحید است .

۲- انفاق: در قرآن کریم جهت جلوگیری از به هم خوردن تعادل اجتماعی و رکود اقتصادی دستور به انفاق داده است تا گروهی دچار فقر و گروهی بسیار ثروتمند نباشند و فاصله طبقاتی ایجاد نگردد. اغنیاء علاوه بر خود بیاد فقراء باشند، این مسئله بقدری دارای اهمیت است که در قرآن بعد از نماز از انفاق نام برده شده است، پیامبر گرامی اسلام بعد از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی اولین موضوعی که مورد توجه قرار داد برقراری عدالت اقتصادی بود (تاریخ تحلیلی صدر اسلام، محمد نصیری، ص ۱۰۴) قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ بگو بندگانم که ایمان آوردند تا نماز بپا دارند و پیش از آمدن روزی که در آن خرید و فروشی هست و نه دوستی از آنچه روزیشان کرده ایم، پنهان و آشکار ببخشند (ابراهیم، ۳۱)

۳- پرداخت زکات: در قرآن بعد ذکر نماز بحث زکات مطرح است اولین نکته در خصوص عدالت که اسلام به آن توجه زیادی دارد عدالت اقتصادی است تا توازون اجتماع بهم نخورد و فاصله طبقاتی ایجاد نگردد. (المائده ۵۵)

۴- رعایت عدالت: رعایت حقوق یتیمان، (البقره، ۲۲۰) رسیدگی به یتیم و بینوا و اسیر، (البقره، ۱۷۹) دفاع از حقوق مظلومان و به عدالت رفتار کردن از درسهایی بود که پیامبر گرامی اسلام در مدینه مسلمانان را متوجه آن ساخت قرآن کریم نیز بر این موضوع بسیار تاکید نموده است (المائده، ۸)

۵- امانتداری: امانتداری که در بیشتر موارد از تقوا و خدا باوری مایه می گیرد از صفات زیبای اخلاقی است که توجه به عامل درونی، وجدان وابسته است این نکته است که قرآن به آن اشاره دارد (المعارج، ۳۲) امام صاق (ع) می فرماید: چهار چیز است که اگر در کسی یافت شد ایمان او کامل است و اگر سر تا پایش گناه باشد چیزی از او کم نمی کند: راستگویی، ادای امانت، حیا و خلق نیک (تهذیب الاحکام، طوسی، محمد بن حسن، ج ۶، ص ۳۵۰)

۶- رعایت حقوق زنان: در دین مبین اسلام جنسیت مطرح نیست و ملاک برتری

تقوا دانسته شده است و زمانی تفکیک جنسی زن و مرد عنوان شده که به بیان مسئولیت و احکام متفاوت آنان پرداخته شود. امادر مکتب غرب با تاکید، خواهان برابری زن و مرد است حال آنکه مسئولیت آنان متفاوت است، در کتاب آسمانی ما از زنان مومن پاکدامنی مثال می زند که الگوی سایر زنانند و قرآن با توجه به خلقت زن به حقوق او توجه نموده است و او را فراموش نکرده، حال در بسیاری از مکتبهای جهان حقوقی برای زن قائل نگردیده و مرد را موجودی برتر دانسته است و با تبلیغات خود زنانی با عملکرد مردانه موفق می داند. (آل عمران ۳۷، التحريم ۱۱)

ب- راهکارهای معرفتی و فردی

ارتباط با منبع قدرت

۱- بزرگی خداوند: در قرآن به مسلمانان تعلیم داده شده است تا خداوند را به بزرگی بخوانند (الواقعه ۷۴)

۲- تسلیم در برابر خدا: زمانی که خداوند به بزرگی شناخته شد در نتیجه همه در مقابل او سر تعظیم فرو آورده و اظهار بندگی می نمایند (البقره ۱۴۳)

۳- خدا همه جا هست: اعتقاد به اینکه خداوند در همه جا است و در ابعاد و زمان و مکان نمی گنجد و در همه حال ناظر بر اعمال ماست و برتر و بزرگتر از تصور ماست، تسلیم محض بودن را به انسان یاد آوری می نماید (البقره ۱۸۶)

۴- نماز خواندن: بگو بندگام که ایمان آوردند تا نماز پیا دارند و پیش از آمدن روزی که در آن خرید و فروشی هست و نه دوستی از آنچه روزیشان کرده ایم، پنهان و آشکار ببخشند (ابراهیم ۳۱، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی)

۵- روزه: روزه مخصوص مسلمانان نیست و در ادیان آسمانی دیگر نیز ذکر شده است تا از سویی به سلامت جسم کمک کند و از پر خوری و شکم بارگی جلوگیری نماید و از دیگر سو گرسنگی محرومان را بیان نماید و گرسنگی روز جزا را یاد آور باشد که سخت تر و سنگین بار تر است. (البقره ۱۸۴-۱۸۳)

۶- بهرگیری از صبر: استعانت وقتی صورت می گیرد که از صبر و نماز یاری جوئید؛

و با استقامتی و مهار هوسبازی درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛ و این کار، جز برای خاشعان، گران است. (البقره، ۴۵)

۷- اعتقاد به برپایی قیامت: و درختان خرمای بلند بالا که میوه ی تو بر تو دارد تا روزی بندگان باشد و بدانند سرزمین پزمرده رازنده کردیم رستاخیز هم همین گونه است (ق ۱۱-۱۰)

۸- خداوند به انسان بسیار نزدیک است: اگر بیاد داشته باشیم خدا از رنگ گردن به ما نزدیکتر است و همواره در کنار ماست در انجام اعمال نیک و دوری از خطا و اشتباه می کوشیم و خود را به انسان کامل نزدیکتر می نمائیم: وَخَنُّ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (الواقعه ۸۵) در واقع اسلام با استفاده از نیروی کنترل درونی (وجدان) انسانرا به پاک سازی درون و ادا ساختن و او را در مقابل اشتباهات مصون می دارد.

۹- ملاک برتری تقوا: هان ای مردم همانا ما شما را از یک مرد و زن افریده ایم و شما را به هیات اقوام و قبایلی در آوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید بیگمان گرمی ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست که خداوند دانای آگاه است (حجرات، ۱۳)

۱۰- عبادت: پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکرانه مرا گوید و (در برابر نعمت‌ها) کفران نکنید! (البقره، ۱۵۲)

۱۱- توبه: خطا و گناه است که انسان را از مسیر کمال دور می کند شارع دین مبین اسلام اعلام می دارد کسانی که توبه کرده و آنچه را فاسد کرده بودند اصلاح کنند خداوند از ایشان می گذرد و توبه آنان را می پذیرد (طه ۸۲) در حالی که در مکاتب غرب جز مجازات دنیایی راهی برای بازگشت خطا کار به جامعه وجود ندارد.

۱۲- توکل: ما را چه می شود که بر خدا توکل نکنیم، حال آنکه ما را به راه درستان هدایت کرده است، و بر آزاری که به ما می دهید، شکیبایی خواهیم کرد، و اهل توکل باید که بر خدا توکل کنند. (ابراهیم ۱۲) و یامی فرماید: اگر خدا شما را یاری کند هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند (آل عمران، ۱۶۰) قرآن مجید عامل استقامت در برابر مشکلات را استعانت به منع عالی و برتر از قدرت انسانی و توکل بر او

می داند تا پیروزی نهایی دست یابد.

۱۳- پرهیز از ترس و ترغیب به شجاعت: ترس نوعی بیماری روحی است، شخص ترسو جرات دست زدن به کاری را ندارد (طه ۷۷)

۱۴- امر به معروف و نهی از منکر: اسلام به ما می آموزد تا نسبت به جامعه بی تفاوت نباشیم (الفصلت ۳۰)

۱۵- تشویق: در آیاتی مومنان را مورد تشویق قرار داده و به توبیخ کافران می پردازد
خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَرَ
أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِمَّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ شما بهترین امتی
هستید که برای مردمان پدید آمده اند که به نیکی فرمان می دهید و از ناشایستی باز می
دارید و به خداوند ایمان دارید، و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند بر ایشان بهتر بود، از
آنان بعضی مومن و بیشترشان نافرمانند. (البقره ۱۷۴)

۱۶- زندگانی دنیا امتحان و آزمایش: هدف اسلام از آزمون رسیدن به حسن عمل
می باشد در آزمایش است که کمالات و هنر سپاسگزاری افراد و همچنین کیفیت اعمال
آشکار می گردد و افراد شایسته مستحق دریافت پاداش می شوند. (الحدید ۲)

ج- راهکارهای رفتاری:

۱- رعایت حقوق پدر و مادر، خویشاوندان و نزدیکان: اسلام نه تنها از نظر عقلی
رعایت احترام در برابر والدین لازم می داند بلکه از لحاظ عاطفی هم آنرا مطرح می کند
و سکوت را روا نمی دارد به عنوان نمونه قرآن مجید نیکی به والدین بلا فاصله بعد از مساله
توحید قرار گرفته و همردیف با توحید مطرح می نماید. در سوره لقمان شکر گذاری در
برابر پدر و مادر را در ردیف شکر گذاری در برابر نعمتهای خدا قرار داده شده است (لقمان
۱۴، البقره ۲۴-۲۵، البقره ۸۳، النساء ۳۹، الانعام ۱۵۱، الاسراء ۲۴۲۳، العنکبوت ۸، الروم
۳۸، الاحقاف ۹۰)،

۲- حمایت از خویشان و یتیمان و در راه ماندگان: در قرآن مجید بعد از
سفارش به والدین صله رحم توجه به خویشاوندان نکته بعدی تربیتی است چنانکه در زمانی

که حضرت محمد (ص) دعوت علنی خود را آغاز کرد اول به انذار خویشان معمور شد، بعد از سفارش به نزدیکان زمانی است که توجه لازم به یتیمان و بینویان و در راه ماندگان مطرح است. (النساء ۳۶)

۳- شهادت در راه خدا: اسلام مرگ در راه خدا بالاترین سعادت و کمال بشر معرفی نموده است و بجای قتل و کشتار و رذایل اخلاقی جهاد در راه خدا و شهادت را عزت می شمارد (البقره ۱۵۴)

۴- آداب ادب و رعایت احترام: یکی از رفتارهای اجتماعی بشر در مقابل اجتماع و دیگران رعایت ادب است. اسلام قانون خویشتن داری و رعایت احترام حتی در جایی که کنترل بیرونی وجود ندارد را الزامی می داند تا شخص در مقابل محیط بیرونی خود احساس مسئولیت نماید. اما در مکتب غرب تمام کنترلها بیرونی است و مجازات اجتماعی در پی دارد اما اسلام شخص را چنان تربیت می نماید که زمانی که کسی مراقب او نیست خدا را ناظر بر اعمال خود بداند به عنوان مثال یکی از آداب احترام و رعایت ادب بیرون آوردن کفشها در مکانهای مقدس است (طه ۱۲)

۵- آرامش مخصوص پیامبر و مومنان است بخاطر تقوی و اضطراب در دلها
کافران: کافران به دلیل جهالتشان به آرامش نمی رسند ولی خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مومنان نازل کرد و آنان را پای بند حکم تقوا ساخت و به ان سزاوارتر و اهل ان بودند و خداوند از همه چیز آگاه است (الفتح، ۲۶)

۶- عامل آرامش ذکر خدا اطمینان قلب، خواب آرامش بخش: و خداوند آن را جز مژده ای (برای شما) نفرستاد تا با دلهایتان به آن آرام بگیرد و پیروزی جز از سوی خداوند نیست، که خداوند پیروز فرزانه است یاد آورید که شما را در پرده خوابی سبک که (در حکم) آرامش بخشی از سوی او بود، پوشاند و از آسمان آبی بر شما بارید، تا شما را با آن پاکیزه بدارد و از شما پلیدی شیطان را بزدايد، و دلهایتان را گرم و گامها (یتان) را بدان استوار کند. (الانفال ۱۱-۱۰)

۷- آفرینش همسر مایه آرامش: خداوند با آفرینش همسری از جنس انسان به او

آرامش بخشید کسی که تکمیل کننده کمال اوست. اسلام رهبانیت و ترک همسر را نمی پذیرد و کسی که ازدواج می کند به حکم کسی می داند که نیمی از دینش کامل شده و نیمی دیگر را باعمل صلح تکمیل می نماید. و از جمله آیات او این است که برای شما از نوع خودتان همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید، و در میان شما دوستی و مهربانی افکند بیگمان در این امر برای اندیشه وران مایه عبرت است (الروم ۲۱)

کسی خدمت امام دوم آمد و عرض کرد: یابن رسول الله می خواهم دخترم را شوهر دهم به که شوهر دهم؟ حضرت فرمود: به کسی که با تقوی باشد بعد علت آورده فرمودند: «ان احبها اکرهما وان لمیحبها فلم یظلمها» نمی دانی چرا می گویم به آدم با تقوی دختر بده؟ به خاطر که اگر دختری را دوست بدارد اگر اکرامش می کند، حسابی زن داری می کند و اگر دوستش نداشته باشد به او ظلم نخواهد کرد، با بدی او می سازد، با همان بی محبتی می سازد، محیط خانه را نمی گذارد به سردی بگراید. (۲۲۲ نکته در تربیت، جعفر شیخ الاسلامی ص ۷)

۸- شب مایه آرامش: آیا ننگریسته اند ما شب را آفریده ایم که در آن آرام گیرند و روز را چشم اندازی روشن (گردانده ایم)، بیگمان در این برای اهل ایمان مایه عبرت است (النمل، ۸۶)

۹- به فرزند خواندگی مایه آرامش: یکی از عواملی که قرآن آن را مایه آرامش می داند داشتن فرزند یا به فرزند خواندگی است (القصص، ۹)

۱۰- انسان در برابر تمام نعمتها مورد آزمایش قرار می گیرد: (البقره ۱۵۵)
انسان مومن باید بداند که در تمام امور زندگی مورد آزمایش قرار می گیرد پس با این تفکر دیگر به جزع و فزع در نمی آید و در برابر مشکلات دنیا صبور بوده و استقامت می کند پس از لحاظ فردی کار آزموده و صبور می گردد

۱۱- معنا داری زندگی: جهان برحق است و بازیچه و بیهوده خلق نشده است (آل

د- راهکارهای اخلاقی و غریزی

- ۱- **پاکدامنی:** کسانی که زمینه ازدواج برایشان فراهم نیست باید پاکدامن باشند و عفت پیشه کنند تا خداوند زمینه ازدواج آنان را فراهم نماید (المعارج ۲۹)
- ۲- **پرهیز از شهوترانی:** اسلام برای کسانی که از راه نامشروع غرایز خود را ارضاء می نمایند مجازات سختی در نظر گرفته است. (النساء ۱۶-۱۵)
- ۳- **عدم قتل و زنا:** و کسانی که در جنب خداوند خدای دیگری را نمی پرستند و هیچ کس را که خداوند (کشتنش را) حرام داشته، جز به حق نمی کشند، و زنا نمی کنند و هر کس چنین کند (عقوبت) گناه را خواهد دید. (الفرقان ۶۸)
- ۴- **حفاظت چشمها:** یکی از راههایی که فساد را در جامعه کم می کند کنترل چشمها و خوداری است. (النور ۳۰)

۵- **رعایت حجاب:** و به زنان مومن (هم) بگو دیدگانشان و ناموسشان را محفوظ بدارند و زیتشان را جز آنچه آشکار است، آشکار نکنند و روسریهایشان را بر گریبانهایشان بیندازند و زیتشان را آشکار نکنند مگر بر شوهرشان یا پسرانشان یا پسران شوهرشان یا پدرشان، یا پدران شوهرشان یا پسرانشان یا پسران شوهرشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرشان یا زنان (همکیش) شان، یا ملک یمینشان یا غلامانی که نیازمند (به زن) نیستند یا کودکانی که بر نهانیهای زنان آگاه نیستند، (بگو) چنان پای نکوبند تا زینتی که پنهان داشته اند معلوم شود و ای مومنان همگی به درگاه خداوند توبه کنید باشد که رستگار شوید. (النور ۳۱)

نتیجه گیری:

قرآن کریم انسان مسلمانی را متصور است که دارای ابعاد مختلفی است. رشدی برای این انسان مسلمان متصور است که او را به نهایت کمالش نزدیک ساخته، سعادت دنیا و آخرت او تامین گردد.

انسانی که به سوی مسیر تعالیش سوق داده و او را به سرمنزل مقصود می رساند انسانی که قرآن تعریف می نماید، روابط خود با خودش، روابط خود با سایر انسانها و

روابط خود با خدایش به بهترین طریق حفظ کرده و او را به بهداشت جسمی، روحی و روانی کامل می‌رساند.

در توجه به پدر و مادر و صله رحم نظام حمایتی و عاطفی او شکل گرفته، با قرار دادن توبه نخستین مرحله رسیدن به سلامت جسم و روح را باز نموده تا با تخلیه هیجانات راه صحیح برون ریزی عاطفه (توبه، دعا، نیایش، گریستن، زیارت و....) عقده‌گشایی نموده ضعفها و کسالتش را جبران و بهداشت روان او تامین گردد.

با برقراری روابط سالم اجتماعی و حمایت اجتماع در توجه به قشر آسیب پذیر جامعه و حمایت از آنان زمینه های فشار اقتصادی و روانی او را کاهش داده از بزهکاری جامعه می‌کاهد.

بدینی و گمانه زنی بدبینانه را سرزنش می‌کند و حتی برخی از گمانهای بد را گناه می‌شمارد: **بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (الحجرات، ۱۲)**

و او را بقدر توانایش تکلیف می‌کند و انتظاری خارج از وظیفه او ندارد **لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ**

نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (البقره ۲۸۶)

انسان مسلمان در برابر شکستها هرگز مایوس و ناامید نبوده و راضی مرضی به سوی پروردگار خویش در تلاش است:

يَتَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٧﴾ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً ﴿١٨﴾ فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي

﴿٢٧﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي (الفجر ۳۰-۲۷)

فهرست منابع

- ۱- احکام روابط زن و شوهر ، سید مسعود معصومی ص ۲۳
- ۲- اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه جان دیوئی ،
- ۳- اصول تعلیم و تربیت ، دکتر علی شریعتمداری ، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
آبان ۱۳۷۱
- ۴- اصول و مبانی آموزش و پرورش ، محمد ضمیری ، انتشارات رهگشای شیراز ۱۳۷۴
- ۵- تاریخ تحلیلی صدر اسلام ، محمد نصیری ، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها ،
دفتر نشر معارف اسلامی
- ۶- تربیت به کجا ره می سپارد ، پیازه ، دکتر منصور ، ترجمه دکتر دادستان ، دانشگاه تهران ۱۳۷۵
- ۷- تربیت کودک از نظر اسلام ، محمد صفری ، موسسه افست پارت
- ۸- تفسیر نمونه - ناصر مکارم شیرازی - دار الکتب الاسلامیه ، چاپ دوازدهم ، زمستان ۷۳
- ۹- تفسیر سوره لقمان ، محسن قرائتی ، معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی ، ۱۳۸۴
- ۱۰- روان شناسی رشد ، دکتر حسن احدی ، دکتر فرهاد جمهری ، چاپ پردیس ، ۱۳۸۵
- ۱۱- عشق و زندگی و راهبردهایی ویژه برای زوج های جوان ، به قلم جمعی از
نویسندگان ، نهاد مقام معظم رهبری در منطقه یک
- ۱۲- فلسفه آموزش و پرورش ، علی اکبر شعاری نژاد ، چاپ سپهر ، ۱۳۷۷
- ۱۳- گفتار فلسفی ، کودک از نظر وراثت و تربیت ، نشر معارف اسلامی ۱۳۴۱
- ۱۴- گفتار فلسفی ، کودک از نظر عقل و احساسات ، نشر معارف اسلامی ۱۳۴۸
- ۱۵- گفتار فلسفی ، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات ، نشر معارف اسلامی ۱۳۵۳
- ۱۶- مراحل رشد جسمی و روانی از ابتدا تا پایان حیات ، محمد اسفندیاری ، مرکز چاپ و
انتشارات دانشگاه پیام نور ، ۱۳۷۷



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی